پژوهش و نگارش در آينه احاديث

 عبدالرحيم موگِهى

تحقيق كن، تحقيق كن!

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «لا ينفع اجتهاد بغير تحقيق.»

«هر تلاشى كه در آن تحقيق[1] و حقيقت جويى نيست، بهره اى ندارد.»

معجم الفاظ غرر الحكم، ص 249

 راه برين كدام است؟

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «لا سنّة أفضل من التّحقيق.»

«هيچ راهى برتر از تحقيق و حقيقت جويى نيست.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 249

عمل برتر

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

«لا عمل كالتّحقيق.»

«هيچ كارى چون تحقيق و حقيقت جويى نيست.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 249

قلم، نخستين آفريده خدا

امام صادق ـ عليه السلام ـ :

 «أوّل ما خلق اللّه القلم فقال له: اكتب فكتب ما كان و ما هو كائن الى يوم القيامة.»

«قلم نخستين آفريده كردگار است. به او فرمود: بنگار، و قلم آنچه را بود و تا روز رستخيز خواهد بود، همه را در نوشتار آورد.»

تفسير نورالثقلين، ج 5، ص 398

نخستين قلمزن كه بود؟

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «يا أباذرّ أربعة من الأنبياء سريانيّون: آدم و شيت و أخنوخ (و هو ادريس و هو أوّل من خطّ بالقلم) و نوح ... .»

«اى ابوذر! چهار تن از پيامبران سريانى اند: آدم و شَيت و اُخنوخ و نوح، و اُخنوخ همان ادريس است كه نخستين بار با قلم نوشت.»

بحارالانوار، ج 11، ص 32

پژواك قلم تا كجا كه نمى رسد!

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «تلاث تخرق الحجب و تنتهى الى ما بين يدى اللّه: صرير أقلام العلماء و وطى أقدام المجاهدين و صوت مغازل المحصنات.»

«سه بانگِ طنين انداز است كه پرده ها را مى درد و پژواك آن در نهايت به خدا مى رسد: بانگ قلمهاى دانشمندان; بانگ قدمهاى مجاهدان; و بانگ چرخ بافندگى زنان پاكدامن.»

تفسير نمونه، ج 24، ص 377

چرا زكات دست خود نمى دهى؟

امام صادق ـ عليه السلام ـ :

 «... زَكوة اليد البذل و العطاء و السّخاء بما أنعم اللّه عليك به و تحريكها بكتبه العلوم و منافع ينتفع بها المسلمون فى طاعة اللّه تعالى ... .»

«زكات دست، بذل و دهش و بخشش است از نعمتهايى كه خدا به تو ارزانى داشته است و جنباندن آن است به نگارش دانشها و بهره هايى كه مسلمانان از آن در راه فرمانبرى خداى بزرگ بهره مند شود.»

سفينة البحار، ج 2، ص 461

 مركب دانشوران، از خون شهيدان برتر است

امام صادق ـ عليه السلام ـ :

 «اذا كان يوم القيامة جمع اللّه عزّ و جلّ النّاس فى صعيد واحد و وضعت الموازين فتوزن دماء الشّهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشّهداء.»

«آن گاه كه روز رستخيز شود، خداى بزرگ همگان را در يك سرزمين گرد آورد و ترازوهاى ارزش سنج در پيش نهد. چون خونهاى شهيدان با مركب قلم دانشمندان به سنجش آيد، مركب قلم دانشمندان بر خونهاى شهيدان برترى يابد.»

من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 398

فرهنگ مكتوب و اين همه پاداش!

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «المؤمن اذا مات و ترك ورقةً واحدةً عليها علمٌ تكون تلك الورقةُ يومَ القيامة ستراً فيما بينه و بين النّار و أعطاه اللّه تبارك و تعالى بكلّ حرف مكتوب عليها مدينةً أوسع من الدّنيا سبع مرّات.»

«مؤمن چون از دنيا رود و برگه اى حاوى دانش از خود بر جاى نهد، اين برگه در روز رستخيز، ميان او و آتش دوزخ پرده اى شود. و خداى خجسته و بزرگ براى هر حرفى كه بر آن برگه نوشته شده باشد، شهرى به فراخناكى هفت گيتى به وى بخشد.»

بحارالانوار، ج 2، ص 144

اى قلمزنان! به كدامين راه مى رويد؟

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «يؤتى بصاحب القلم يوم القيامة فى تابوت من نار يقفل عليه بأقفال من نار فينظر قلمه فيما أجراه فان كان أجراه فى طاعة اللّه و رضوانه فكّ عنه التّابوت، و ان كان اجراه فى معصية الله هوى فى التابوت سبعين خريفاً ... .»

«در روز رستخيز، قلمزن را در تابوتى آتشناك بياورند كه قفلهايى آتشناك نيز بر آن بسته باشند. آن گاه به قلمش بنگرند كه در چه راه به كار بسته است. اگر در فرمانبرى و خرسندى كردگار به كار بسته است، آن تابوت از او برگيرند; و اگر در فرمان نابرى كردگار به كار بسته است، هفتاد خزان در آن تابوت به عذابش كشند.»

ميزان الحكمه، ج 8، ص 266

بهشت، ارزانى نويسندگان

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «من مات و ميراثه الدّفاتر و المحابر وجبت له الجنّة.»

«هر كه از دنيا رود و ميراثش دفترها و دواتها باشد، بهشت ارزانى اش باد.»

ارشاد القلوب، ص 176

در سايه سار قلم، زندگى زيباست

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «... القلم من اللّه نعمة عظيمة ولولا القلم لم يستقم الملك و الدّين و لم يكن عيش صالح.»

«قلم نعمت بزرگ پروردگار است; و اگر قلم نبود، سياست و ديانتى استوار نمى شد و زيستن خوشى در روزگار نبود.»

مستدرك الوسائل، ج 13، ص 258

قلم، رمز جاودانگى

امام صادق ـ عليه السلام ـ :

«تأمّل يا مفضّل! ما أنعم اللّه ]به على الانسان[ ... الكتابة الّتى بها تقيّد أخبار الماضين للباقين و أخبار الباقينَ للآتين و بها تخلد الكتب فى العلوم و الآداب و غيرها ... .»

«بينديش اى مفضّل! از نعمتهاى الهى بر آدمى "نوشتن" باشد كه رخدادهاى گذشتگان را براى بازماندگان و رويدادهاى زندگان را براى آيندگان به بند مى كشد و به قلم كتابهاى علمى و اخلاقى و جز آن جاودانه مى شود.»

مستدرك الوسائل، ج 13، ص 258

نوشتار، برتر از گفتار است

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «رسول الرّجل ترجمان عقله و كتابه أبلغ من نطقه.»

«پيك آدمى نمايانگر خِرَد اوست و نوشتار آدمى رساتر از گفتار اوست.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 961

نشانِ فرزانگى

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «كتاب المرء معيار فضله و مسبار نبله.»

«نوشتار هر كسى نشان از فرزانگى اش دارد و ميزان فرهيختگى اش را مى نماياند.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 960

بر كرانه قلمت چه جلوه گر است؟

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «عقول الفضلاء فى أطراف أقلامها.»

«خردورزيهاى فرهيختگان بر كرانه قلمهايشان جلوه گر است.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 939

كيفيت نوشته ات، نشانه عقل توست

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

«ثلاثة تدلّ على عقول اربابها: الرّسول و الكتاب و الهدية.»

«سه چيز نمودار خرد خردمندان است: پيك، نوشتار و ارمغان.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 961

 فرصت از دست مده كه پشيمان مى شوى

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «اكتبوا العلم قبل ذهاب العلماء و انّما ذهاب العلم بموت العلماء.»

«دانشها را مكتوب كنيد پيش از آنكه دانشوران از دست روند، كه با از دست رفتن دانشوران، دانش نيز از دست رود.»

ميزان الحكمة، ج 8، ص 324

 تا نوشته ات باقى است، پاداش تو هم جارى است

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «من كتب عنّى علماً أو حديثاً لم يزل يكتب له الأجر ما بقى ذلك العلم و الحديث.»

«هر كه دانش يا سخنى از من نگاشته است، پاداش او نيز هماره نگاشته شده است تا هنگامى كه آن دانش و سخن بر جا مانده است.»

ميزان الحكمة، ج 8، ص 325

خوشا آنان كه دائم در كتاب اند!

امام صادق ـ عليه السلام ـ (به مفضّل فرمود):

 «اكتب و بثّ علمك فى اخوانك فان متّ فأورث كتبكَ بنيكَ فانّه يأتى على النّاس زمان هرج لا يأنسون فيه إلاّ بكتبهم.»

«دانش خويش را به نگارش درآر و در ميان برادرانت گسترده دار; و چون مرگت فرارسد، نگاشته هاى خويش را براى فرزندانت به ارث گذار كه مردمان را روزگارى پريشان در پيش است كه در آن به جز نوشتار همدمى ندارند.»

تويى دلارام من!

امام صادق ـ عليه السلام ـ :

«القلب يتّكل على الكتابة.»

«دل با نگارش مطمئن مى شود.»

الكافى، ج 1، ص 52

 بنويس و بر جاى نه!

امام حسن ـ عليه السلام ـ (به فرزندان خود و فرزندان برادر خود فرمود):

 «... فتعلّموا العلم فمن لم يستطع منكم أن يحفظه فَلْيكتْبهُ وَلْيَضَعْهُ فى بيته.»

«دانش فراگيريد; و هر كه از شما حفظ آن را برنتابد، دانش به نگارش آرد و در خانه خود نگه دارد.»

بحارالانوار، ج 2، ص 52

دانش در بند نگارش كِش!

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «قيّدوا العلم بالكتاب.»

«با نگارش، دانش را در بند خويش كشيد.»

تحف العقول، ص 36

 بى نام تو نامه كى كنم باز؟

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «كلّ كتاب لا يبدأ فيه بذكر اللّه فهو أقطع.»

«هر نگاشته كه ياد كردى از كردگار در آغازش نباشد، ناتمام است.»

مستدرك الوسائل، ج 8، ص 434

 با خط زيبا بنويس: «بسم الله ...»

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

 «من كتب "بسم اللّه الرّحمن الرّحيم" فجوّده تعظيماً [ للّه] فقد غفر [ اللّه] له.»

«هر كه "بسم الله ..." را با خط خوش نگارد تا بزرگى خدا را پاس دارد، خدا نيز وى را ببخشايد.»

مستدرك الوسائل، ج 8، ص 433

 به پُر برگى كتابت نناز! به پُربارى كتابت بناز!

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «أحمق الناس من حشى كتابه بِالتُّرّهات ... .»

«هر كه نوشتار خويش با ياوه نگاريها انباشته كرده است، نابخردترين مردم است.»

مستدرك الوسائل، ج 11، ص 322

 چرا نوشته هايت را دسته بندى نمى كنى؟

امام باقر ـ عليه السلام ـ (به نويسنده نوشته هايشان فرمود):

 «أن يصنع هذه الدّفاتر كراريس و قال عليه السلام: وجدنا كتب علىّ ـ عليه السلام ـ مدرّجة.»

«اين دفترها بايد دسته بندى شوند كه ما خودمان نوشته هاى على ـ عليه السلام ـ را نيز تقسيم بندى شده ديديم.»

مستدرك الوسائل، ج 17، ص 293

همراه خود چرا قلم ندارى؟

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ (به كسى كه برخى از كارهايشان را به وى مى گفتند و او مى نوشت، فرمود):

 «ضع القلم على أذنك فهو أذكى لِلْمُمْلى.»

«قلم بر گوش خود بگذار كه يادآورنده تر است اين كار هر نگارنده اى را.»

بحارالانوار، ج 73، ص 50

قلم به داد حافظه مى رسد!

(مردى از انصار هماره در مجلس پيامبر ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ حضور مى يافت و احاديثى را مى شنيد و شيفته آنها مى شد، ولى نمى توانست آنها را حفظ كند. مشكل خود را به پيامبر ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ عرض كرد. حضرت به او فرمود):

 «استعن بيمينك (و أومأ بيده، أى خُطَّ).»

«يارى بجو از راست خويش (و حضرت به دست او اشاره فرمود كه با آن بنويس).»

بحارالانوار، ج 2، ص 152

غلط نگوييم; غلط ننويسيم

امام صادق ـ عليه السلام ـ :

 «أَعْرِبُوا حديثنا فإنّا قومٌ فصحاءُ.»

«سخن ما را درست و شيوا بيان كنيد، كه ما از تبار شيوا سخنانيم.»

الكافى، ج 1، ص 52

چرا نمى نويسيد؟!

امام صادق ـ عليه السلام ـ فرمود:

 «دخل علىّ أناس من أهل البصرة فسألونى عن أحاديث و كتبوها فما يمنعكم من الكتاب؟ أَما إِنَّكم لن تحفظوا حتّى تكتبوا.»

«مردمانى از بصره نزد من آمدند و سخنانى از من پرسيدند و همه آنها را نوشتند. پس چه چيز است كه شما را از نوشتن بازداشته است؟ هان! تا به نوشتن رو نياوريد، به حفظ نوشته ها هم دست نمى يابيد.»

بحارالانوار، ج 2، ص 153

خوش خط بنگار و فاصله هم بگذار!

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «ألق دواتك و أطل جِلفة قلمك و فرّج بين السطور و قرمط بين الحروف فانّ ذلك أجدر بصباحة الخطّ.»

«در دوات خويش ليقه[2] گذار و نوك قلم خويش دراز بدار و ميان سطرها فاصله بگذار و حروف نزديك به يكديگر نگار كه اين چنين كار، زيبايى خط را سزاوار است.»

نهج البلاغه، سخن كوتاه 307

چرا نوشته هايت را بازنگرى و بازنگارى نمى كنى؟

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «اذا كتبت كتاباً فأعد فيه النّظر قبل ختمه فإنّما تختم على عقلك.»

«هرگاه چيزى نوشتى، بايد كه پيش از مُهر نمودنش دگربار در آن بنگرى; چرا كه بر خردورزى خويش مُهر پايان مى زنى.»

كتاب، مايه آرامش دلهاست

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «من تسلّى بالكتب لم تَفُتْهُ سَلْوَةٌ.»

«آرامشى از دست نداده است آن كه با كتابها آرامش به دست آورده است.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 961

هر كتابى، ترجمانى است

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «الكتاب ترجمان النّية.»

«كتاب يك برگردان است از آنچه درون كتاب نگار است.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 960

گُلسراى دانشوران چيست؟

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

«الكتب بساتين العلماء.»

«كتابها گلسراى دانشوران است.»

معجم الفاظ غررالحكم، ص 961

 اين سخنگو كيست كه در برابرت نيست؟

امام اميرمؤمنان على ـ عليه السلام ـ :

 «نعم المحدّث الكتاب.»

«كتاب، خوش سخنگويى است!»

معجم الفاظ غرر الحكم، ص 961

 آينده را هم به تماشا بايست!

امام صادق ـ عليه السلام ـ :

 «احتفظوا بكتبكم فَاِنَّكُمْ سوف تحتاجون اليها.»

«كتابهاى خويش را نگاهبان باشيد، كه به زودى نيازمندشان شويد.»

الكافى، ج 1، ص 52

يك «چهل حديث» نوشته اى؟

پيامبر خدا ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ :

«من كتب عنّى أربعين حديثاً رجآءَ أن يغفر اللّه له غفر له و أعطاه ثواب الشّهداء.»

«هر كس چهل حديث از من نگارد به آن اميد كه خدا او را بيامرزد، خدا نيز او را مى آمرزد و پاداش شهيدانش مى دهد.»

مكاتيب الرسول، ج 1، ص 361

پى نوشت :

[1]- اگرچه تحقيق، به معناى مطلقِ حقيقت جويى است، اما از آن رو كه پژوهش علمى نيز نوعى كشف حقيقت است، تحقيق به معناى عام كلمه شامل پژوهشهاى علمى نيز مى شود.

[2]- «ليقه» چيزهايى همچون ابريشم و نخ و موى است كه در دوات مى گذارند و مركب بر آن مى ريزند تا مركب «لايق» و شايسته نوشتن شود.